

بررسی اجمالی ۱۲ نظریه در زمینه رشد بخش عمومی در اقتصاد

نوشته دکتر احمد جعفری صمیمی^۱

چکیده:

در اغلب کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه اقتصاد بخش عمومی در طول سالهای مختلف از رشد بسیار قابل توجهی برخوردار بوده است، به طوری که این امر سبب شده است تا سهم مخارج دولت در تولید ناخالص داخلی کشورها در طول زمان افزایش یابد. با اینکه در سالهای اخیر مخصوصاً از اواخر دهه ۱۹۸۰ به دلایل مختلفی مخصوصاً "خصوصی سازی اقتصاد روند رشد بخش عمومی کندتر شده است؛ ولی هنوز دلایل رشد بخش عمومی یکی از موضوعات بسیار مهم در اقتصاد و مدیریت است. در این مقاله دوازده نظریه که هر یک به نحوی عاملی برای رشد بخش عمومی در کشورهای مختلف جهان را ارائه داده است به طور خلاصه مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

مقدمه

یکی از موضوعات بسیار مهم در اقتصاد و مدیریت دولتی، موضوع رشد بخش عمومی در کشورهای مختلف می باشد که در طول زمان مخصوصاً تا اواخر دهه ۱۹۸۰ از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. جدول (۱) اطلاعات مربوط به نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی را که در واقع یکی از مهمترین معیارهای اندازه گیری رشد بخش عمومی و دولت می باشد در برخی از کشورهای جهان در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۹۰ نشان می دهد.

همان طوری که از اطلاعات موجود در این جدول مشاهده می شود، روند رشد بخش عمومی فقط به کشورهای توسعه یافته اختصاص نداشته؛ بلکه این موضوع در مورد کشورهای

۱ - دانشیار دانشگاه مازندران

در حال توسعه نیز صادق بوده است. همچنین از اطلاعات موجود در جدول (۱) ملاحظه می‌گردد که تا سال ۱۹۸۵ تقریباً در تمامی کشورهای مورد نظر نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی با افزایش مواجه بوده است. با اینکه ارقام سال ۱۹۹۰ فقط سهم مربوط به مخارج دولت مرکزی را در نظر می‌گیرد؛ ولی مشاهده شده است که در سالهای اخیر مخصوصاً از اواخر دهه ۱۹۸۰ به دلایل مختلفی مخصوصاً به خاطر «خصوصی سازی» روند رشد بخش عمومی تقریباً در اغلب کشورهای جهان کندتر شده است.

در این مقاله دوازده نظریه که هر یک بر روی یکی از عوامل رشد بخش عمومی تأکید شده است به صورت اجمالی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. البته لازم به توضیح است که این عوامل برای کشورهای مختلف از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند و بررسی تجربی کشورها به صورت انفرادی تعیین‌کننده این است که با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و غیره آنها کدامیک از عوامل ذکر شده و در نتیجه نظریه ارائه شده از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

۱ - فرم اولیه قانون واگنر: تجدید بنای جامعه

واگنر^۲ اولین کسی بود که نظریه اصلی را در زمینه رشد مخارج دولت ارائه کرد. در فرم اولیه نظریه واگنر علت رشد مخارج دولت به خاطر تبدیل جامعه سنتی به جامعه صنعتی عنوان شده است که در نتیجه آن مسائلی از قبیل آموزش، بهداشت، بازنشستگی و غیره از حوزه فعالیت خانواده خارج می‌شود و در زمره فعالیتها و وظایف بخش عمومی قرار می‌گیرد.

برای آزمون این نظریه که به فرم اولیه قانون واگنر معروف است و براساس آن تقاضا برای خدمات بخش عمومی با افزایش قابل توجهی مواجه است، متغیرهایی از قبیل سهم نیروی کار استخدام شده در صنعت، نسبت مشارکت زنان در بازار کار، رشد جمعیت و هرم سنی و درجه شهرنشینی به عنوان متغیرهای اساسی تلقی می‌شوند.

۲ - برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

A. Wagner, Finanzwissenschaft, Vol I & II, 1877, 1890, (Leipzig: CF Winter).

جدول ۱ - روند رشد بخش عمومی در برخی از کشورهای جهان

(به صورت نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی به درصد) ۱۹۷۰-۱۹۹۰

کشور	سال			
	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰
آرژانتین	۳۲/۸	۴۰/۲	۴۵/۲	۱۵/۵
برزیل	۲۸/۴	۳۲/۴	۳۱/۶	۳۶
شیلی	۴۰/۶	۳۲	۳۶/۲	۳۲/۸
کلمبیا	۲۵/۹	۲۹/۴	-	۱۵/۱
مکزیک	۲۰/۶	۳۶/۳	۴۷/۵	۱۸/۴
پرو	۲۴/۶	۶۰/۸	-	۱۰
ونزوئلا	۳۱/۶	۶۶	۶۵/۸	۲۳/۱
امریکا	۳۱/۶	۳۳/۷	۳۶/۷	۲۴
ژاپن	۱۹/۴	۳۲/۶	۳۲/۷	۱۶/۷
آلمان	۳۸/۶	۴۸/۳	۴۷/۲	۲۹/۴
فرانسه	۳۸/۹	۴۶/۴	۵۲/۴	۴۳
انگلستان	۳۹/۸	۴۵/۱	۴۷/۸	۴۴/۸
ایتالیا	۳۴/۲	۴۶/۱	۵۸/۴	۴۸/۵
کانادا	۳۴/۸	۴۰/۵	۴۷	۲۳/۴
استرالیا	۲۵/۱	۳۲/۱	۳۶/۶	۲۵/۸
یونان	۲۲/۴	۳۰/۵	۴۳/۲	-
سوئد	۴۳/۳	۶۱/۶	۶۴/۵	۴۲/۳
هلند	۴۳/۹	۵۷/۵	۶۰/۲	۵۲/۸

در مجموع با توجه به نتایج تجربی کشورها، انتظار می رود که یک همبستگی مثبت بین صنعتی شدن، شهرنشینی و مشارکت زنان در بازار کار از یک طرف و سهم دولت در اقتصاد از طرف دیگر وجود داشته باشد.

- ۳ - فقط مخارج دولت در سطح مرکزی منظور شده است.
 ۴ - ارقام مربوط به سال ۱۹۸۲ می باشد.
 ۵ - رقم مربوط به سال ۱۹۸۲ می باشد
 ۶ - ارقام مربوط به سال ۱۹۸۲ می باشد.
 ۷ - ارقام مربوط به سال ۱۹۸۲ می باشد
 ۸ - ارقام مربوط به سال ۱۹۸۲ می باشد
 ۹ - رقم مربوط به سال ۱۹۸۴ می باشد
 منابع. رجوع شود به:

World development report 1992, the world Bank.

External debt and Economic development in Latin America (Washington: Inter-American development Bank 1984).

P. 84.

J.A.Lybeck and M.Henrekson (ED), Explaining the Growth of Government 1988 P. 5.

۲- فرم ثانویه قانون واگنر: کشش درآمدی تقاضا

براساس یک تفسیر دیگری از قانون واگنر^{۱۱}، علت افزایش سهم بخش عمومی در کل منابع به خاطر نوع کالاها و خدماتی است که به طور سستی توسط دولت تولید شده است و این نوع کالاها از کشش درآمدی تقاضای بالایی برخوردار می‌باشند. به عبارت دیگر براساس این تفسیر، با افزایش درآمد ملی یا درآمد سرانه و یا درآمد قابل تصرف سرانه در طول زمان، آنگاه مصرف کنندگان خواهان تخصیص سهم بیشتری از منابع موجود به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و غیره می‌باشند که این امر موجب افزایش رشد بخش عمومی در اقتصاد می‌شود.

۳- اثر جابجایی^{۱۱} پیکاک و وایزمن^{۱۲}

براساس این نظریه رشد مخارج دولت در اقتصاد از یک روند یکنواخت و باثباتی برخوردار نبوده است. به عبارت دیگر به اعتقاد پیکاک و وایزمن سطوح مخارج دولت ممکن است در یک دوره زمانی خاص مانند دوران جنگ به خاطر نیاز زمانی بالا رود. بنابراین در حالیکه مردم در زمان عادی در مقابل افزایش مالیات از خود واکنش نشان می‌دهند ولی در زمان جنگ چنین مقاومتی وجود ندارد. برطبق این نظریه پس از پایان بحران و برای مثال پس از پایان جنگ، مخارج و مالیات در سطح بالاتری که اکنون مردم نیز به آن عادت کرده‌اند قرار می‌گیرد.

۴- بی‌کششی تقاضا نسبت به قیمت و بیماری بامول^{۱۳}

براساس نظریه بامول^{۱۴} که به الگوی اسکاندیناوی تورم^{۱۵} نیز معروف است و بامول آن

۱۰- در ادبیات مربوط به اقتصاد بخش عمومی ۵ تفسیر مختلف در مورد قانون واگنر ارائه شده است.

11- Displacement Effect

۱۲- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

A.T. Peacock and J.Wiseman, "The Growth of Government Expenditures in the United Kingdom, Princeton: Princeton University Press, 1961.

13- Baumol's Disease

۱۴- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

W.J.Baumol, "Macro Economics of Unbalanced Growth: Th Anatomy of Urban Crisis", American Economic Review, (57 June 1967), PP 415-426.

15- Scandinavian Model of Inflation

را بیماری نامیده است، بهره‌وری در بخش دولتی به مراتب کمتر از بخش خصوصی است، درحالی که افزایش دستمزد در این دو بخش تقریباً شبیه یکدیگر می‌باشد. بنابراین عامل فوق سبب می‌شود تا قیمت‌های نسبی در جهت خط روند حرکت کند و در نتیجه آن سهم اسمی مخارج دولت در تولید ناخالص داخلی یا درآمد ملی مرتب افزایش یابد و این امر در شرایطی ممکن است اتفاق افتد که شرح رشد واقعی دو بخش بایکدیگر برابر باشد.

نظریه بیماری بامول از نظر آماری و رفتاری نیز قابل تفسیر است. یکی از دلایل تفاوت نرخهای رشد بهره‌وری در بخش عمومی و خصوصی این است که در حسابهای ملی فرض شده است که هیچگونه تغییری در بهره‌وری بخش عمومی ایجاد نشود، اما برخی از مطالعات نشان داده‌اند که رشد بهره‌وری در بخش عمومی با یک وقفه زمانی نسبت به بخش خصوصی تغییر می‌کند.

این بخش از بیماری بامول را می‌توان به عنوان عامل عرضه برای افزایش سهم مخارج دولت در اقتصاد تلقی نمود. در مقابل باید گفت که قیمت‌های نسبی نیز تقاضا را تحت تأثیر قرار می‌دهند. چنانچه تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی عرضه شده نسبت به قیمت کاملاً بدون کشش باشد، در این حالت اثر بهره‌وری بامول به حداکثر میزان ممکن خواهد رسید. هرچه کشش قیمتی تقاضا (به صورت قدر مطلق) بیشتر باشد، آنگاه با تغییر قیمت نسبی به زیان بخش عمومی، تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی کمتر می‌شود.

۵- توزیع مجدد درآمد

نظریه‌های قبلی همگی توجه اصلی خود را به تقاضا و عرضه کالاها و خدمات عمومی معطوف نموده‌اند. اما براساس نظریه بک^{۱۶} مخارج دولت به خاطر دلایل فوق واقعا رشد نکرده است. وی معتقد است که چنانچه سهم مخارج دولت با توجه به قیمت‌های نسبی اصلاح شود، آنگاه سهم واقعی مخارج دولت تقریباً در اغلب کشورهای مختلف جهان ثابت مانده است. او اعتقاد دارد که در اکثر کشورها، مخارج انتقالی موجب افزایش کل مخارج دولت و مالیات و در نتیجه افزایش سهم مخارج دولت به قیمت‌های ثابت یا جاری شده است.

۱۶ - رجوع شود به:

M.Beck, Government Spending, New York: Praeger, 1981

۶- گروههای ذینفع

این نظریه که در واقع یکی از نظریه‌های قدیمی نیز می‌باشد به بوکانان و تالوک^{۱۷} نسبت داده می‌شود. براساس این نظریه افراد با تشکیل گروههای ذینفع و قوی می‌توانند دولت را تشویق کنند تا مخارج خود را در جهت منافع این گروهها افزایش دهد. هزینه ناشی از افزایش مخارج دولت از طریق افزایش مالیات توسط کل جامعه پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر تأمین خواسته‌های یک گروه هزینه چندانی برای این گروه به وجود نمی‌آورد و به اعتقاد اولسون^{۱۸} هر گروه از سواری مجانی استفاده می‌کند. این نظریه توسط بکر^{۱۹}، رنارد، ون‌ویندن^{۲۰}، بروسو و مارچز^{۲۱} نیز گسترش یافته است. در زمینه آزمون این نظریه لازم است متغیرهایی از قبیل قدرت اتحادیه‌های کارگری، تعداد و قدرت سایر مؤسسات نیز مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد متغیر «درجه باز بودن اقتصاد» در سال ۱۹۷۸ توسط کامرون^{۲۲} پیشنهاد شده است. براساس اعتقاد وی یک اقتصاد کاملاً "باز از نوسانات بیشتری در مورد تقاضای مؤثر برخوردار است و این امر سبب می‌شود تا اتحادیه‌های کارگری قوی دولت را مجبور نمایند تا سیاستهای مناسبی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی اتخاذ کند که در نتیجه این امر، مخارج دولت نیز با افزایش مواجه می‌شود.

۷- توهیم مالی و سادگی جمع‌آوری مالیات

شکی نیست که مخارج دولت باید در زمان جاری یا در زمان آینده تأمین مالی شود.

۱۷ - برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

- J.M.Buchanan, and G.Tullock; *The Calculus of Consent*, (Ann Arbor: University of Michigan Press) 1962.
- 18- M.Olson, " *The Logic of Collective Action*, Cambridg Mass: Harvard University Press, 1965.
- 19- G.G.Becker, " A Theory of Competition Among Pressure Groups for Political Influence", *Quarterly Journal of Economics*, 98 , August 1983, PP 371-400.
- 20- Paul S.A.Renaud and Frans A.A.M Van Winden, "Fiscal Behaviour and the growth of Government in the Netherlands, in " *Explaining the Growth of Government*; J.A. Lybeck and M. Henrekson (EDS) Elsevier science Publishers B.V. (North-Holland, 1988, PP 133-136).
- 21- Giorgio Brosio and Carla Marchese, " The Growth of Public Expenditure in Italy since the second world war; in " *Explaining the growth of Government ...* PP 187-200.
- 22- D.R. Cameron, " The Expansion of the Public Economy: A Comparative Analysis", *American Political science Review*, 72, DEC 1978, PP 1243-1261.

بنابراین چگونگی سادگی تأمین مالی مخارج دولت یکی دیگر از عواملی است که می تواند میزان مخارج دولت و در نتیجه رشد بخش عمومی در اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع اولین بار توسط جان استوارت میل^{۲۳} بیان گردید و اخیراً^{۲۴} نیز توسط اوتس^{۲۴} مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. افزایش مخارج بی رویه دولت و در نتیجه ایجاد کسری بودجه نیز به دلیل توهّم مالی سبب افزایش رشد بخش عمومی شده است.

۸- جریانهای سیاسی - اقتصادی و تصمیم گیری سیاسی

این نظریه در واقع از چند موضوع تشکیل شده است که هر یک از آنها نیز به تنهایی دامنه نسبتاً وسیعی دارد. یکی از این موضوعات نهادها و سلسله مراتب سیاسی است که ممکن است رشد مخارج دولت را سریعتر و یا کندتر نماید. موضوع دیگر مربوط به عملکرد دولت نسبت به جریانهای سیاسی - اقتصادی می شود.^{۲۵} سیاستمدارانی که می خواهند مجدداً انتخاب شوند به متغیرهایی از قبیل نزدیکی انتخابات و برتری در انتخابات و شکست رقیبان از خود عکس العمل نشان می دهند. در مقابل مشکلات اقتصادی نیز از قبیل بیمه های بیکاری، تورم و کسری بودجه و کسری در حساب جاری مطرح می شود که این امر مانند عامل قبلی موجب افزایش روند مخارج دولت می گردد. موضوع دیگر در این زمینه مربوط به تصمیم گیری سیاسی سیاستمداران می شود. اینکه آیا با ائتلاف با گروههای مخالف و یا با مخالفت با آنها می توان قدرت را تثبیت نمود خود می تواند با توجه به استراتژیهای مورد استفاده در هر مورد، سبب افزایش مخارج دولت شود.

23- John Stuart Mill

۲۴- برای توضیح بیشتر در مورد ادبیات مربوط به این عامل رجوع شود به:

W.E Oates, "on the nature and measurement of fiscal Illusion: A Survey", Working paper 85-13, University of Maryland, Department of Economics, 1985.

۲۵- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به:

B.S. Frey and F.Schneider, "Recent Research on Empirical Politico-Economic Models", in D.A. Hibbs, J and H.Fassbender, (EDS), Contemporary political Econom, (Amsterdam: North Holland), 1981.

M.Paldam, "A Preliminary survey of the theories and Findings on Vote and Popularity Functions", European Journal of Political Research, 9,1981, PP 181-199.

۹- بوروکراسی

براساس این نظریه هرچه میزان بوروکراسی بیشتر باشد، آنگاه ارزیابی عملکرد دولت توسط مردم بسیار مشکلتر می شود، لذا به دلیل فوق کوششهای زیادی از درون بخش عمومی در جهت افزایش هرچه بیشتر بوروکراسی می شود تا بدین وسیله عملکرد آنها از دید مردم پوشیده بماند. بنابراین رشد بوروکراسی از طریق نیروهای درونی خود یکی از عواملی بوده است که در اغلب کشورها موجب افزایش رشد مخارج دولت شده است.^{۲۶} در اغلب تحقیقات برای بررسی تأثیر بوروکراسی بر رشد و روند مخارج دولت، از متغیرهایی مانند تعداد کارمندان موجود در بخش دولتی استفاده شده است.

۱۰- کارمندان دولت به عنوان رأی دهندگان

این نظریه که درحقیقت یکی از نظریه های خاص مربوط به بوروکراسی می شود، توجه خود را بر روی رفتار کارمندان بخش عمومی به عنوان رأی دهندگان و پشتیبانان این بخش معطوف می دارد. براساس این نظریه که به بوش و دنزا^{۲۷} نسبت داده می شود، کارمندان بخش دولتی به عنوان حامیان این بخش و به خاطر حفظ منافع خود سعی می کنند تا روند بخش عمومی و درنتیجه مخارج دولت را حفظ نموده و یا آن را افزایش دهند تا از این طریق تأمین مالی زندگی روزمره آنها با مشکل مواجه نشود.

۱۱- تأثیر نوع حکومت و احزاب

علاوه بر نظریه مربوط به جریانهای سیاسی - اقتصادی و تصمیم گیری سیاسی (نظریه هشتم در این مقاله) یکی دیگر از نظریه هایی که در زمینه رشد بخش عمومی و درنتیجه مخارج دولت در اقتصاد مطرح شده است این است که وجود دولتهای سوسیالیستی (در مقایسه با دولتهای غیر سوسیالیستی) ممکن است باعث افزایش رشد مخارج دولت شود. این

۲۶- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

D.C. Mueller, "The Growth of Government: A Public choice perspective", IMF Staff papers, 34, March 1987, PP 115-149.

27- W.C. Bush; and A.Denzau, "The Voting Behavior of Bureaucrats and Public sector Growth", In T.E. Borcheri (ED), Budgets and Bureaucrats: The sources of Government Growth. Durham: Duke University Press, 1977.

نظریه با وجود اینکه توسط برخی از محققین مورد آزمون و مطالعه قرار گرفته است، ولی باید اضافه نمود که نتایج تحقیقات انجام شده در این زمینه با ابهام مواجه بوده است.^{۲۸}

۱۲- تمرکز قدرت

یکی دیگر از نظریه‌های مربوط به رشد مخارج دولت، توجه اصلی خود را بر روی ساختار نهادی دولت از دید تمرکز و عدم تمرکز معطوف می‌دارد. براساس این نظریه با افزایش و ایجاد سطوح مختلف برای دولت از قبیل دولتهای ایالتی، محلی و غیره، مخارج دولت و در نتیجه بخش عمومی با گسترش مواجه می‌شود.

نتیجه‌گیری

در زمینه روند رشد مخارج دولت و بخش عمومی در اقتصاد و مدیریت نظریه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک توجه خود را بر روی یک عامل متمرکز نموده است. در این مقاله ۱۲ نظریه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با وجود اینکه برخی از این نظریه‌ها نتایج بدون ابهامی ارائه نداده‌اند ولی در مجموع در مورد عوامل مهم تعیین‌کننده رشد مخارج دولت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:^{۲۹}

- ۱- صنعتی شدن با اندازه بخش عمومی رابطه منفی دارد.
- ۲- درجه باز بودن اقتصاد و اندازه بخش عمومی رابطه قوی و مثبتی بایکدیگر دارد.
- ۳- کسری بودجه دولت و اندازه بخش عمومی رابطه مثبت بایکدیگر دارد.
- ۴- تعداد کارمندان بخش دولتی و اندازه بخش عمومی نیز بایکدیگر رابطه مثبت دارد.
- ۵- نوع حکومت و یا حزب حاکم نیز می‌تواند اندازه بخش عمومی را تحت تأثیر قرار دهد.

۲۸- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

F.G. Castles, " The Impact of Parties, Beverly Hills: Sagi Publication, 1982.

۲۹- لازم به توضیح است که کلیه این نتایج و عوامل ارائه شده ممکن است برای یک کشور به صورت انفرادی از اهمیت یکسانی برخوردار نباشد. به عبارت دیگر با مطالعه دقیق وضعیت بخش عمومی در هر کشور و با توجه به وضعیت و شرایط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و غیره آن می‌توان به عوامل مهم تعیین‌کننده رشد بخش عمومی در کشور مورد نظر پی برد. برای مثال افزایش رشد جمعیت در سالهای اخیر در کشورهای در حال توسعه یکی از عوامل افزایش مخارج دولت مخصوصاً "مخارج مربوط به بهداشت و آموزش در این کشورها بوده است. برای توضیح بیشتر در زمینه عوامل رشد بخش عمومی در کشورهای در حال توسعه رجوع شود به:

D.L.Lindaver Government spending countries.... The world Bank research observer, JAN 1992, PP 59-78

ولی جهت آن دقیقاً مشخص نیست.

۶- نظامهای دولتی متمرکز دارای سطوح مخارج کمتری نسبت به نظامهای غیرمتمرکز می‌باشند.

منابع

- 1- Beck, M; " Government spending, " New York; Praeger 1981.
- 2- Becker, G.G, " A Theory of competition among pressure Groups for political influence", Quarterly Journal of Economics, 98, August 1983, PP 371-400.
- 3- Brosio, Giorgio; and Marchese, Carla, " The Growth of Public Expenditure in Italy since the second world war; in "Explaining the Growth of Government; J.A. Lybeck and M. Henrekson (EDS) Elsevier science publishers, B.V. North-Holland, 1988, PP 187-200.
- 4- Buchanan, J.M; and Tullock, G; " The Calculus of consent", Ann Arbor: University of Michigan Press 1962.
- 5- Bush, W.C; and Denzau, A; " The voting Behavior of Bureaucrats and Public sector Growth", IN. T.E. Borcharding (ED), Budgets and Bureaucrats: The Sources of Government Growth, Durham: Duke University Press, 1977.
- 6- Castles, F.G, " The Impacts of Parties, Beverly Hills: Sage Publications, 1982.
- 7- Comeron, D.R, " The Expansion of the Public Economy: A Comparative Analysis", American Politica Science Review, 72, DEC 1978, PP 1243-1261.
- 8- Frey, B.S., and Schneider, " Recent Research on Empirical Politico - Economic Models", IN. D.A. Hibbs, J.R and H.Fassbender, (EDS), Contemporary Political Economy, Amsterdam: North-Holland, 1981.

- 9- Inter - American Development Bank, External Debts and Economic Development in Latin America, Washington, 1984.
- 10- Lindaver, D.L. Government Spending in Developing Countries; Trends, Causes and Consequences, The world Bank Research Observer, JAN 1992, PP 59-78.
- 11- Mueller, D.C, " The Growth of Government: A Public Choice Perspective", IMF Staff papers, 34 March 1987, PP 115-149.
- 12- Oates, W.E, "On the Nature and Measurement of Fiscal Illusion: A survey", working paper.85-13, University of Maryland, Department of Economics, 1985.
- 13- Olson, M. The Logic of Collective action, Cambridge, Mass: Harvard University Press, 1965.
- 14- Paldam, M, " A Preliminary survey of the theories and Findings on vote and popularity functions", European Journal of Political Research, 9 , 1981, PP 181-199.
- 15- Peacock, A.T; and Wiseman, J; " The Growth of government Expenditures in the United Kingdom Princeton: Princeton University press, 1961.
- 16- Renaud, Paul S.A; and Van Winden, A.M., Fiscal Behaviour and the Growth of Government in the Netherlands, in, " Explaining the 1988, PP 133-156.
- 17- The world Bank, world Economic report, 1940-1942, Oxford University press, 1990 & 1992.
- 18- Wagner, A. " Finanzwissenschaft, Vol I & II, 1877, 1890, Leipzig: C.F winter.